

## بررسی آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی (مطالعه موردی قطب رشد صنعتی عسلویه)

موسی عنبری \*

احمد ملاکی \*\*

تاریخ دریافت: ۲۲ تیر ۱۳۹۰

تاریخ پذیرش: ۱۸ آبان ۱۳۹۰

### چکیده

هدف اولیه طراحان قطب‌های رشد در اروپا، استفاده از آنها برای ایجاد تحرک و رشد در مناطق محروم بود، اما در کشورهای در حال توسعه، قطب‌های رشد به دلیل وجود منابع طبیعی در مناطقی خاص و به منظور کمک به رشد اقتصاد ملی ایجاد شده‌اند. هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی آثار اجتماعی توسعه صنعتی ناشی از ایجاد قطب رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی در منطقه عسلویه است. پرسش اصلی این است که ورود صنعت به منطقه، چه پیامدهایی داشته و این پیامدها چه آثاری بر توسعه پایدار اجتماعات محلی گذاشته‌اند. در پژوهش حاضر، چهارچوب نظری، رویکرد قطب رشد است. قطب رشد یک مدل برنامه‌ریزی صنعتی و منطقه‌ای برای "مجموعه‌ای از صنایع گسترده" واقع در یک منطقه است. در منطقه عسلویه، آرایش متمرکز فعالیت‌های صنعتی در یک مکان با صنعت محرک و هدایت‌کننده گاز، موجب شده است منطقه از ویژگی قطب رشد برخوردار شود. پژوهش حاضر، با روش کیفی انجام شده و اطلاعات با استفاده از فنون بحث گروهی متمرکز، مشاهده و مصاحبه عمیق گردآوری شده است. جامعه آماری پژوهش، مسئولان بومی، مطلعان محلی و نیز مدیران منطقه ویژه پارس است. یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که حضور صنعت و گسترش سریع توسعه صنعتی در منطقه، پیامدهای دوگانه‌ای داشته است. همپای توسعه صنعتی در منطقه، شاخص‌های توسعه پایدار در اجتماعات محلی، تحقق نیافته است. بخش‌هایی مانند آموزش، بهداشت، زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی نسبت به قبل از ورود صنعت به منطقه، بهبود یافته‌اند، اما در حوزه‌های دیگر بهبود ملاحظه نمی‌گردد و گاهی آثار منفی دیده می‌شود. وضعیت اشتغال و معیشت پایدار بومیان، چندان مطلوب نیست. در حوزه محیط زیست و کشاورزی، آلودگی‌ها و افت تولید دیده می‌شود. همچنین در حوزه‌های اجتماعی، آسیب‌های مختلف و تبعیض‌های گوناگون اتفاق افتاده است.

**کلیدواژه‌ها:** قطب رشد، توسعه صنعتی، توسعه پایدار محلی، اجتماعات محلی، توسعه نامتوازن.

\* دانشیار جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. [anbari@ut.ac.ir](mailto:anbari@ut.ac.ir)

\*\* پژوهشگر گروه مطالعات اجتماعی موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی و کارشناس ارشد جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول) [ahmad.malaki@gmail.com](mailto:ahmad.malaki@gmail.com)

#### مقدمه

معمولاً گفته می‌شود که هدف ایجاد قطب رشد در کشورهای در حال توسعه، ایجاد تحرک اقتصادی در مناطق توسعه‌نیافته و محروم و کمک به رشد و پیشرفت آنها در جنبه‌های مختلف است. کم‌توجهی به روند متناسب‌سازی فعالیت‌های صنعتی با روندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مناطق، باعث ایجاد رشد نامتوازن، مشکلات پیچیده، کندی پیشرفت مراحل توسعه و از همه مهم‌تر از دست رفتن زمان به عنوان مهمترین سرمایه غیرقابل برگشت برای جبران نابسامانی‌ها خواهد بود (جدیدی میاندشتی، ۱۳۸۱: ۴).

در ایران، وجود منابع طبیعی نفت و گاز در بسیاری از مناطق، زمینه را برای گسترش ساختارهای صنعتی و ایجاد مراکز صنعتی در آن مناطق فراهم کرده است. مناطقی که این منابع در آنها کشف شده است، از جمله مسجد سلیمان، بهرگان، آغاچاری، امیدیه و غیره، عموماً روستاها و شهرهای کوچکی بودند که فاقد بسیاری از زیرساخت‌های مورد نیاز صنعت بودند. در واقع، با ورود صنعت این مناطق رشد یافتند و جمعیتی را از مناطق مختلف به خود جذب کردند. ورود صنعت و ساختارهای مدرن به اینگونه جوامع که ساختارهای سنتی دارند، پیامدهای گوناگونی داشته است. این پیامدها در بخش‌های مختلف اجتماعات میزبان، آثار محسوسی داشته است. بخش عسلویه در جنوب استان بوشهر نیز که اکنون پایتخت اقتصادی ایران نامیده می‌شود، تا قبل از ورود صنعت، منطقه‌ای روستایی و بسیار محروم بوده است. اکنون که بیش از یک دهه از شروع طرح توسعه صنعتی در این منطقه می‌گذرد، به خوبی می‌توان آن را از جنبه‌های مختلف ارزیابی کرد. طرح مذکور با راهبرد ایجاد قطب رشد ملی صنعت، با توجه به مزیت نسبی وجود گاز طبیعی فراوان و به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص آن ایجاد شد.

ورود صنعت به منطقه عسلویه، پیامدهای مختلفی داشته است که در جنبه‌های مختلف می‌توان آن را تشخیص داد. این صنعت با زمینه اجتماعی که در آن رشد کرده است، سنخیت ندارد و برای پیوند زندگی جدید با زمینه سنتی، از طریق توجه به توسعه محلی و منطقه‌ای تلاش نشده است. بنابراین، عوامل مذکور موجب شده است که در کنار ورود همه‌جانبه صنعت و مدرنیته، زندگی و اجتماع سنتی به حاشیه رانده شود و روز به روز مغلوب‌تر گردد. در واقع، استدلال مهم مقاله حاضر این است که مغلوب عظیم صنعت در منطقه عسلویه، توسعه پایداری است که حدود دو دهه، در صدر مباحث توسعه قرار گرفته است و اکثر کشورهای جهان، خود را ملزم به ایجاد آن می‌دانند. مشاهده روند موجود در عسلویه، به وضوح نشان می‌دهد که برنامه‌ریزان و متولیان امر، نه تنها در جهت توسعه پایدار در این منطقه گام برنداشته‌اند، بلکه با صراحت در جهت عکس آن عمل کرده‌اند.

شکاف پدید آمده بین قطب رشد صنعتی و توسعه پایدار محلی و پیامدهای گوناگون استقرار صنعت در منطقه، ضرورت انجام پژوهش‌های متعدد را محسوس‌تر می‌کند تا با شناخت بهتر مشکلات و موانع و

## آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

برنامه‌ریزی دقیق‌تر، بستر مناسبی برای توسعه صنعتی در کنار توسعه محلی پایدار فراهم شود. پژوهش‌های موجود، بیانگر وجود مشکلات گوناگونی است که در بین اجتماع محلی و کمپ‌های کارگری، موجب ایجاد ناهنجاری‌ها و آسیب‌های جدی در منطقه عسلویه شده است (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۴؛ ابراهیم‌پور ۱۳۸۳). شناخت این مسائل و ارائه راهکارهای مناسب، می‌تواند به گسترش و پایداری توسعه صنعتی، کمک فراوانی کند و نیازهای مردمی را برآورده کند که همواره جزء ساکنان محروم‌ترین مناطق ایران بوده‌اند و با ایجاد صنعت، آرزو داشتند آنها هم روزی طعم رفاه و خوشبختی را احساس کنند.

در پژوهش حاضر، نیز با همین هدف، پیامدهای ناشی از ایجاد قطب رشد صنعتی در عسلویه و تأثیر آن بر شاخص‌های توسعه پایدار محلی مورد بررسی قرار گرفته است. ایجاد قطب رشد صنعتی در این منطقه، پیامدهای مثبت و نیز منفی داشته است. مهمترین پیامد، حضور صنعت در حوزه اقتصادی بوده است، اما در سایر حوزه‌ها نیز آثار عمیقی داشته است. بنابراین، اهداف جزئی پژوهش حاضر، بررسی آثار صنعت بر کشاورزی، اشتغال، بهداشت، آموزش و سایر شاخص‌های توسعه پایدار محلی است.

## مبانی نظری

بعد از جنگ جهانی دوم، در تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه به منظور دستیابی به توسعه شتابان، اجرای برنامه‌های توسعه صنعتی، مطمئن‌ترین و حتی یگانه راه پیشرفت محسوب شد. در این میان، ایجاد "قطب‌های صنعتی" از راهبردهایی بود که در دهه ۱۹۶۰، مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و سازمان‌های توسعه‌ای قرار گرفت. نظریه‌پردازان مهمی مانند فریدمن، میردال، هیرشمن و به‌ویژه فرانسوا پرو در فرموله کردن این الگوی صنعتی شدن، تأثیر مهمی داشته‌اند (کلاشتری و حقیقی، ۱۳۸۲: ۲). فرانسویس پرو<sup>۱</sup> اقتصاددان فرانسوی در فضای اروپای غربی بعد از جنگ دوم جهانی، ایده "قطب رشد" را مطرح کرد که گاهی به آن "قطب‌های توسعه" و "مراکز رشد" نیز گفته می‌شود. بر اساس نظریه‌های پرو، رشد در مناطق یا قطب‌هایی معین و در زمانی مشخص پدید می‌آید. صنایع "محرک" یا شرکت‌های "پیش‌برنده" که در قطب ایجاد می‌شوند، آثار پیوسته‌ای بر یکدیگر دارند و رشد اقتصادی را در همه گروه‌های صنعتی از طریق خریداران و فروشندگانی ارتقا می‌دهند که به افزایش تولید می‌پردازند. همچنین صنایع مذکور، در نوآوری و گسترش توسعه در سراسر ناحیه تحت نفوذ، به‌طور بخشی و فضایی مؤثر هستند (هایت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴: ۵۴) و (فریدمن، ۱۹۶۶). (فریدمن، ۱۹۶۶).

1 François Perroux  
2 Hite

فرانسوا پرو معتقد است که هرگاه عوامل توسعه در ناحیه‌ای متمرکز شود، انتشار امواج آن به نواحی دیگر، دیر یا زود با موانعی روبرو می‌شود (حتی در کشورهای پیشرفته). میزان عوامل کندکننده انتشار توسعه به نواحی دیگر، به درجه توسعه اقتصادی کشورها بستگی دارد. در کشورهای توسعه‌نیافته، عوامل کندکننده در بیشترین حد از عدم توازن قرار دارند، بنابراین، پراکنش و انتشار توسعه به مناطق دیگر نیز با موانع بیشتری روبرو می‌شود. گاهی در کشورهای توسعه‌نیافته، به دلایلی مانند کشف منبع انرژی، رونق اقتصادی قابل ملاحظه‌ای ایجاد شده است، اما تراکم عوامل کندکننده طوری بوده است که مانع انتشار توسعه به نواحی پیرامون منبع انرژی می‌شود. بنابراین، اختلاف شدیدی از نظر توسعه اقتصادی بین دو ناحیه هم‌مرز پدید می‌آید (متا، ۱۳۸۴: ۳۵). در کشورهای در حال توسعه، راهبرد قطب رشد عمدتاً با سه هدف مورد استفاده قرار گرفته است: اول، مدرنیزه کردن نواحی عقب‌مانده و با اقتصاد منزوی، دوم، ایجاد مراکز شهری در مناطقی که منابع طبیعی قابل بهره‌برداری داشتند و سوم، در مواردی که مشکل رشد فزاینده در متروپل ملی به وجود آمده است. این رویکرد در موارد فوق توسط کشورهای مختلف جهان سوم در دهه ۱۹۵۰ مورد استفاده قرار گرفت (کلاتری، ۱۳۸۰: ۷۱).

در واقع این راهبرد به دلایل مختلف زیر، به عنوان ابزار سیاستگذاری مورد استقبال کشورهای مختلف قرار گرفته است: ۱) به دلیل شکل‌گیری تراکم اقتصادی در این قطبها، به‌عنوان راهی بسیار کارا و با بهره‌وری زیاد برای زایش توسعه محسوب می‌شوند، ۲) تمرکز سرمایه در مناطق رشد، موجب کاهش هزینه‌های عمومی گردیده است و خدمات را در سطح منطقه وسیع‌تری عرضه می‌کند، ۳) آثار اشاعه توسعه از این مناطق به نواحی اطراف، موجب حل بسیاری از مشکلات مناطق عقب‌مانده و محروم اطراف می‌گردد.

نکته‌ای که باید در ارزیابی توفیق یا عدم توفیق این راهبرد مورد توجه قرار گیرد، این است که حتی واضع آن، یعنی فرانسوا پرو زمانی که این نظریه را بیان کرد، معتقد بود که نمی‌توان آن را در همه جا مورد استفاده قرار داد. از این حیث، باید میان کشورها و مناطق توسعه‌یافته و در حال توسعه تمایز قائل شد.

فرانسوا پرو در همین زمینه تفاوت کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته را در ناهماهنگی عوامل اقتصادی می‌داند که وی آن را از دو جنبه بررسی کرد: نخست ناهماهنگی وضعیت اقتصادی وجود دارد که نوسان‌های اقتصادی در ساختار نظام اقتصادی و اجتماعی. ناهماهنگی وضعیت اقتصادی هنگامی وجود دارد که نوسان‌های اقتصادی در کوتاه‌مدت هماهنگ نباشند، مانند مسئله قیمت‌ها و رابطه آن با هزینه تولید. اما ناهماهنگی در ساختار اقتصادی و اجتماعی، به دلیل ضعف زیربنای اقتصادی و اجتماعی است. در یک کشور توسعه‌نیافته، معمولاً ترکیب عوامل یادشده به‌گونه‌ای است که توسعه اقتصادی از حیث افزایش تولید، کند می‌شود و ظرفیت بهره‌برداری از عناصر تولیدی کاهش می‌یابد (متا، ۱۳۸۴: ۳۲). قطب‌های رشد عموماً به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی نسبت به مراکزی از شبکه‌های شهری و پویایی منطقه‌ای، مناطقی ناپایدار - جزایری از توسعه در دریایی از توسعه

## آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

نیافتگی - هستند. منابع انسانی، مالی و طبیعی عظیمی که در پروژه‌های قطب رشد مورد استفاده قرار می‌گیرد، در کنار "آثار نشت" یا "پراکنش" وسیع متعادل نیستند. با وجود این، بیشترین مشکلات و ناهماهنگی‌های اجتماعی را در شرایط زندگی سخت و سطح پایین، نظیر قطبی شدن طبقاتی شدید و اقتصادی مبتنی بر بازارهای محلی، بدون پیوند با بخش‌ها یا مکان‌های اقتصادی دیگر ایجاد می‌کنند (هایت، ۲۰۰۴: ۱۹).

گرچه یکی از اهداف قطب رشد، یکپارچه کردن جمعیت شهری با مناطق داخلی آن است، اما قطب‌های رشد، عموماً اقتصاد روستایی را تخریب می‌کنند و مشکلات تهیه غذا را برای قطب رشد ایجاد می‌کنند (والدر<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱). همچنین، قطب‌های رشد با روندهای مهاجرتی از حومه شهرها مواجه می‌شوند و بدین ترتیب، فقدان نیروی کار در بخش‌های کشاورزی، دریایی، محلی و نیروی کار اضافی در مراکز رشد پدید می‌آید (هایت، ۲۰۰۴: ۱۹).

امی‌هایت (۲۰۰۴: ۲۰) با پژوهشی که درباره قطب‌های رشد امریکای لاتین انجام داد، مهمترین پیامدها و آثار آنها را موارد ذیل ذکر کرد: نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی مبتنی بر مشارکت در مناصب رسمی قطب رشد، مشکلات کنترل شهرنشینی سریع با رشد صنعتی برای فراهم کردن استانداردهای زندگی خوب، جدایی بین پروژه‌های شهرنشینی و مناطق داخلی روستایی و ناتوانی برای ایجاد ثروت ملی. در واقع، به اعتقاد وی، ایده قطب رشد هرگز به عنوان راهکاری برای توسعه محلی به کار گرفته نشده و به این دلیل، نابرابری‌های جدیدی را مبتنی بر دستیابی به مناصب رسمی ایجاد می‌کند (آنگوتی ۲۰۰۱، سی‌کانتل ۱۹۹۴، گادفری ۱۹۹۰).

با توجه به ادبیات مذکور، منطقه ویژه انرژی اقتصادی پارس جنوبی (منطقه عسلویه) را نیز می‌توان مصداق نظریه قطب رشد محسوب کرد. در اینجا می‌توان سخنان مؤسسه مهندسی توسعه اجتماعی (متا) را در این زمینه بیان کرد:

(۱) مجریان و طراحان منطقه ویژه انرژی پارس، با گزینش آمایش متمرکز فعالیت‌ها در منطقه عسلویه، در عمل با رویکرد اصلی نظریه قطب رشد یعنی صرفه‌جویی ناشی از تمرکز و مقیاس همسویی دارند،  
(۲) در منطقه ویژه انرژی اقتصادی پارس، قرار است با فراهم کردن بسترهای لازم، این منطقه برای جذب سرمایه، فناوری و نیروی کار ماهر آماده شود،

(۳) مزیت مکانی منطقه پارس جنوبی در استفاده از یک رشته اصلی و پیشرو، یعنی استخراج و فرآوری گاز طبیعی نهفته است. نزدیکی این منطقه به مخازن طبیعی واقع در بستر خلیج فارس، عامل اصلی انتخاب آن به عنوان مکان قطب رشد بوده است،

(۴) پیش‌بینی تراوش توسعه منطقه ویژه انرژی پارس به مناطق و استان‌های همجوار و حتی استان‌های درونی‌تر کشور از موضوعات اصلی مطرح شده در طرح توسعه منطقه است.

۵) نگاه به بیرون (خارج از کشور) در زمینه صادرات محصولات خام یا فرآوری شده، از هدف‌های عمده طرح توسعه منطقه ویژه است (متا، ۱۳۸۴: ۵۵).

در بخش بعد، با تعریف توسعه پایدار محلی و تشریح شاخص‌های آن، تلاش می‌شود آثاری که ایجاد قطب رشد صنعتی در منطقه عسلویه می‌تواند بر شاخص‌های توسعه پایدار در اجتماعات محلی پیرامون داشته باشد، به طور نظری توضیح داده شود و مدل تحلیلی پژوهش استخراج شود.

### رشد و پایدار محلی

از دیدگاه توسعه پایدار، اگر هدف از توسعه گسترش امکانات و بهبود شرایط و کیفیت زندگی انسان‌هاست، این امر نه تنها درباره نسل کنونی بلکه برای نسل‌های آینده نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. معنای توسعه پایدار، فقط حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی نیست، بلکه مفهومی نو از توسعه و رشد اقتصادی است، رشدی که بدون تخریب منابع طبیعی و بر هم زدن تعادل زیست‌محیطی، عدالت و امکانات زندگی را برای همه مردم جامعه اعم از شهری، روستایی و عشایری و نه فقط قشرهای محدودی از جامعه فراهم می‌کند (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۴۵). در چارچوب ادبیات پایداری اجتماعات محلی، انسان روستایی با محیط پیرامونش به گونه‌ای یکپارچه مورد توجه قرار می‌گیرد، زیرا پایداری فضای محلی، مستلزم ایجاد توازن میان انسان، محیط و فعالیت‌های اوست. به تعبیر دیگر، توسعه پایدار، نقطه توازن و تعادل به منظور تحقق اهداف توسعه در هر یک از جنبه‌های محیطی، اجتماعی و اقتصادی است که در چارچوب پارادایم‌های گذشته به تعارض میان هر یک از ابعاد توسعه منجر شده است.

بنابراین، در فرایند توسعه پایدار محلی، همه ابعاد توسعه به‌طور یکپارچه و در تعامل با یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. سه بعد مهم توسعه پایدار محلی عبارت است از بعد اقتصادی، اجتماعی و بوم‌شناختی. هر کدام از این ابعاد را می‌توان با شاخص‌هایی مورد سنجش قرار داد.

- **ابعاد بوم‌شناختی:** یکپارچگی سامانه بومی (خدمات و فرایندها)، محافظت از تنوع زیستی، بهره‌وری پایدار و متوازن در چارچوب ظرفیت محیط.
- **ابعاد اجتماعی:** فرصت‌های برابر (درون و بین‌نسلی)، مشارکت گسترده و تعاملی، توانمندسازی، کیفیت زندگی، کرامت و حقوق انسانی، فقرزدایی، تنوع فرهنگی و همبستگی اجتماعی.
- **ابعاد اقتصادی:** رشد پایدار، کارایی و اثربخشی، تنوع اقتصادی و اشتغال پایدار، افزایش درآمد و توزیع عادلانه آن، خوداتکایی، مصرف متعادل، فناوری سازگار با محیط (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۱: ۹).

## آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

با توجه به نارسایی‌های برنامه‌های توسعه در گذشته که بیشتر بر بعد اقتصادی تأکید داشتند و از بالا به پایین اجرا می‌شدند، در حال حاضر، برای دستیابی به توسعه پایدار اجتماعات محلی که خود هدف توسعه هستند، مشارکت جامعه محلی، مهمترین عامل برای تحقق توسعه پایدار محسوب می‌شود. پرسشی که مطرح می‌شود، این است که صنعتی‌شدن در قالب قطب‌های رشد می‌تواند این شکل از توسعه را تضمین کند. پاسخ‌ها برای این پرسش متنوع هستند. در اینجا پاسخ ما به پرسش، به مثابه مدل تحلیل موضوع مطرح می‌شود.

واقعیت این است که ارتباط میان صنعت (به‌ویژه صنایع بزرگ) و توسعه پایدار محلی، پیچیدگی‌های زیادی دارد و در جایی که از قطب رشد صنعتی صحبت می‌شود، پیچیدگی افزایش می‌یابد. به ویژه اینکه صنعت مورد بررسی، مبتنی بر وجود منابع طبیعی باشد که به لحاظ قانونی، مالکیت آن در اختیار دولت است و عموماً هدف از ایجاد و گسترش آن، افزایش درآمد ملی است. بنابراین، رابطه این گونه صنایع با توسعه پایدار اجتماعات محلی، در بسیاری از موارد هماهنگ و سازگار نیست.

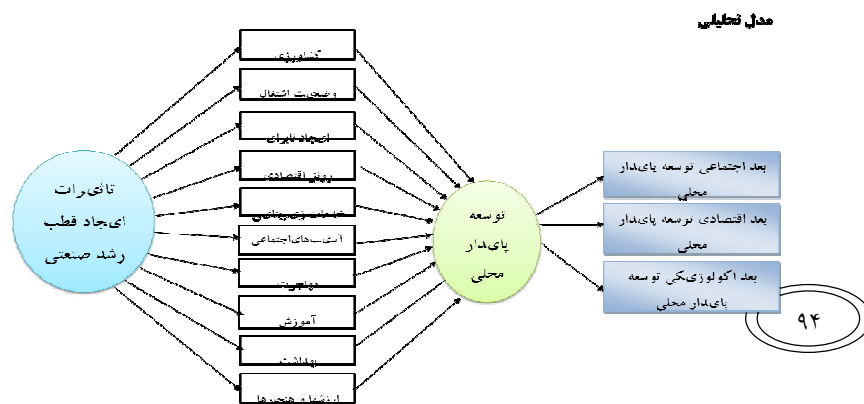
در بخش‌های قبل، توضیح داده شد که هدف اصلی نظریه قطب رشد که در اروپای غربی بعد از جنگ دوم جهانی مطرح شد، ایجاد توسعه منطقه‌ای در مناطق محروم و توسعه‌نیافته بود. نظریه مذکور در دهه ۶۰ میلادی، مورد استقبال کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. ولی استفاده از این نظریه در کشورهای در حال توسعه، بیشتر به منظور افزایش درآمد و توسعه ملی از طریق استخراج منابع طبیعی در مناطق عمدتاً توسعه‌نیافته و محروم بوده است. در حالی که بدیهی است با ورود صنعت، اولین انتظار جامعه محلی این است که صنعت به بهبود شاخص‌های رفاهی و انسانی در این مناطق محروم کمک کند. ساختارهای اقتصادی و سیاسی کشورهای در حال توسعه، عموماً با این دوگانگی مواجه هستند و نمی‌توانند در کنار افزایش درآمد ملی از طریق قطب‌های رشد مبتنی بر منابع طبیعی، به توسعه متوازن و همزمان جوامع محلی پیرامون قطب رشد نیز توجه کنند.

با نگاهی به تجارب قطب‌های رشد در کشورهای مختلف می‌توان نتیجه گرفت در مناطقی که هدف از ایجاد قطب رشد، توسعه محلی و ایجاد تحرک اقتصادی در مناطق توسعه‌نیافته بوده، این راهبرد موفقیت‌آمیز بوده و موجب پیشرفت و توسعه محلی در آن منطقه شده است. قطب رشد گویانا در کشور ونزوئلا از این نمونه است (هایت، ۲۰۰۴). اما در مناطقی که نیروهای محلی به حاشیه رانده شده و نیروهای دولتی با کمک سرمایه خارجی و شرکت‌های فراملیتی، به توسعه قطب رشد و بهره‌برداری از منابع طبیعی پرداخته‌اند و هدف رشد، تولید ناخالص ملی بوده و توسعه محلی چندان اولویت نداشته، قطب‌های رشد به جزایری توسعه‌یافته در دل منطقه‌ای محروم و توسعه‌نیافته تبدیل شده‌اند. در بسیاری از مناطق امریکای لاتین، از جمله در برزیل نیز این موارد بسیار دیده می‌شود (گارسیا، ۱۹۸۵).

یکی از مهمترین تغییرات ایجاد قطب‌های رشد صنعتی در مناطق محروم، تغییرات ساختاری در بخش اشتغال است. به طور طبیعی با ایجاد قطب صنعت، مشاغل جدیدی در منطقه ایجاد می‌شود. در فضای جدید که مشاغل مرتبط با صنعت غلبه دارند، مشاغل سنتی و بومی مانند کشاورزی، ماهیگیری و تجارت محدود می‌شوند و اکثر بومیان در زمینه اشتغال پایدار با مشکل مواجه می‌شوند. بنابراین، اشتغال صنعتی و مدرن یکی از پیامدهای حضور صنعت در منطقه است که به طور بالقوه می‌تواند بر اشتغال پایدار در اجتماعات محلی و مهم‌تر از آن بر رونق اقتصاد بومی تأثیر بگذارد.

به همین ترتیب، پیامدهای مختلف دیگر مانند ایجاد نابرابری، افزایش امکانات و زیرساخت‌ها، تغییر نگرش‌ها و ارزش‌ها، حضور مهاجرین غیربومی که برای کار به منطقه وارد می‌شوند، افزایش آلودگی‌های محیط زیست و هوا، بهبود وضعیت آموزش و بهداشت به دلیل سرمایه‌گذاری بیشتر در این زمینه‌ها و غیره، بر توسعه پایدار محلی و منطقه‌ای تأثیر می‌گذارند. در بعضی موارد، این پیامدها می‌توانند آثار مثبتی بر روند توسعه پایدار محلی داشته باشند و در مواردی هم می‌توانند آثار منفی بر شاخص‌های توسعه پایدار داشته باشند. در منطقه عسلویه نیز عاملی بیرونی به نام قطب رشد صنعتی، بر پایداری اجتماعات محلی تأثیر گذاشته است. ورود صنعت به این منطقه محروم، پیامدهای گوناگونی داشته است و این پیامدها بر ابعاد و شاخص‌های پایداری توسعه محلی تأثیر گذاشته‌اند.

بر اساس شواهد و استنباط ما از موضوع، مهمترین آثاری که قطب رشد صنعتی در اجتماعات محلی عسلویه داشته‌اند، عبارت‌اند از: (۱) ایجاد نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها و منابع و ایجاد احساس نابرابری در بین مردم محلی، (۲) تغییر در وضعیت اشتغال و معیشت مردم محلی، (۳) تغییر در ارزش‌ها و هنجارهای زندگی روزمره، (۴) افزایش رونق اقتصادی در منطقه، (۵) ایجاد امکانات و خدمات زیربنایی، (۶) شیوع انواع آسیب‌های اجتماعی در منطقه، (۷) افزایش میزان مهاجرپذیری منطقه، (۸) تغییر در وضعیت آموزشی و بهداشتی منطقه. تغییرات و آثار ناشی از ایجاد قطب رشد صنعتی به طور شماتیک در شکل زیر مشاهده می‌شود. در واقع، در مقاله حاضر گونه‌ها و کیفیت آثار پیامدهای فوق بر شاخص‌های توسعه پایدار در اجتماعات محلی منطقه عسلویه مورد بررسی قرار می‌گیرد.





## آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

### روش پژوهش

در پژوهش حاضر، ضمن اتکاء به اسناد، نوشته‌ها و گفتارهای مکتوب، از مصاحبه عمیق و بحث گروهی متمرکز<sup>۱</sup> و مشاهده برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است.

جامعه آماری پژوهش، مطلعان محلی بخش عسلویه از توابع شهرستان کنگان در جنوب استان بوشهر هستند. بخش عسلویه دو شهر و ۲۱ روستا را شامل می‌شود. بعد از ورود صنعت، مهاجران زیادی از مناطق مختلف به این منطقه آمده‌اند و در شهرها و روستاهای منطقه زندگی می‌کنند. در پژوهش حاضر، درحالی که جامعه آماری ما کل منطقه عسلویه بود، ولی وضعیت بومیان منطقه مورد تأکید بود و در واقع، مهاجران و غیربومی‌ها جزء جامعه آماری پژوهش در نظر گرفته نشدند.

در پژوهش حاضر، نمونه‌های مورد بررسی افراد خاصی در جامعه محلی بودند که به دلیل جایگاه و ارتباطشان در جریان امور قرار داشتند و در ارتباط با موضوع پژوهش، اطلاعات مفیدی می‌توانستند در اختیار پژوهشگران قرار دهند. بنابراین، پژوهشگران به‌طور هدفمند می‌خواستند بدانند که چه کسانی می‌توانند بیشترین اطلاعات را در اختیارشان قرار دهند.

در روش‌های کیفی، تعداد مصاحبه‌شوندگان از ابتدا مشخص نیست و پژوهشگر تا زمان دستیابی به اشباع نظری، مصاحبه را ادامه می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز ۲۲ مصاحبه عمیق و باز<sup>۲</sup> با مسئولان (شهردار، و مدیران ادارات دولتی و غیردولتی محلی و غیره) و مطلعان محلی (دهیار، اعضای شورای شهر، معلمان و غیره) انجام شد و جلسات بحث گروهی نیز با حضور یازده نفر از مردم بومی همه روستاهای منطقه تشکیل گردید. تعدادی از مدیران منطقه ویژه پارس جنوبی نیز برای پاسخگویی انتخاب شدند. بنابراین، با حدود ۳۵ نفر مصاحبه شد و نظرهای ایشان بعد از جمع‌آوری، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

اکثر مصاحبه‌شوندگان، به‌عنوان مشارکت‌کننده در جریان پژوهش حضور یافتند و در فضایی باز، فعالانه درباره موضوعات مرتبط بحث کردند و تجربیات و اطلاعات خود را در اختیار پژوهشگران قرار دادند.

### یافته‌های پژوهش

1 Focus Group Discusión

۲. ر. ک به منابع (۲۲ مصاحبه با مردم و مسئولان محلی و دولتی)

### الف: یافته‌های توصیفی

در این قسمت، ابتدا به طور مختصر درباره سیمای جمعیتی و جغرافیایی جامعه مورد بررسی بحث می‌شود. بخش عسلویه در منتهی‌الیه جنوب شرقی استان بوشهر و در شهرستان کنگان قرار گرفته است. منطقه عسلویه از غرب به روستای شیرینو (بخش مرکزی کنگان)، از شمال به ادامه دامنه سلسه جبال زاگرس، از جنوب به خلیج فارس و از شرق به شهرستان پارسیان محدود می‌شود. مساحت آن، ۹۳۶ کیلومتر مربع است و حدود ۶۰ کیلومتر مرز آبی با خلیج فارس دارد. عسلویه تا قبل از سال ۱۳۸۱، یکی از دهستان‌های بخش مرکزی کنگان بوده است که در تاریخ ۱۳۸۱/۷/۹ به بخش تبدیل شد. این بخش اکنون دو دهستان به نام‌های عسلویه به مرکزیت شهر عسلویه و نایبند به مرکزیت روستای چاه‌مبارک دارد (بخشداری منطقه عسلویه، ۱۳۸۷).

منطقه عسلویه به لحاظ شرایط اقلیمی و جغرافیایی، عرض جغرافیایی ۲۷ و طول جغرافیایی ۵۲ درجه دارد که پوشش گیاهی متوسط و پراکنده و اراضی انبوه نخل و درختچه‌های "حرا" دارد. منطقه عسلویه زمستانی معتدل و تابستانی گرم و مرطوب دارد. درجه حرارت هوا در این منطقه، بین ۵ تا ۵۰ درجه سانتی‌گراد و رطوبت نسبی آن، بین ۵۹ تا ۸۸ درصد است و سالانه ۱۸۰ میلی‌متر بارندگی دارد (بخشداری منطقه عسلویه، ۱۳۸۷).

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۵، کل بخش عسلویه ۶۵۵۷ خانوار را شامل می‌شود. همچنین جمعیت کل منطقه نیز ۵۴۳۲۰ نفر است که از این تعداد، ۴۱۶۴۶ نفر (۷۶ درصد) مرد و ۱۲۶۷۴ نفر (۲۴ درصد) زن هستند. تفاوت مشهود بین تعداد مردان و زنان، به دلیل حضور مهاجران مردی است که برای کار در منطقه زندگی می‌کنند. میانگین بعد خانوار ۸،۲۸ است. از کل جمعیت منطقه در این سال، ۴۵۸۳۵ نفر یعنی ۸۴ درصد، باسواد و ۴۲۲۹ نفر، یعنی ۲۶ درصد بیسواد هستند. همچنین بر اساس آمار سال ۱۳۸۷ بخشداری منطقه عسلویه، جمعیت منطقه عسلویه ۶۵ هزار نفر است که ۳۱ هزار نفر بومی و ۳۴ هزار نفر غیربومی هستند. همچنین از ۳۱ هزار نفر بومی، ۱۶ هزار نفر در روستاهای منطقه و ۱۵ هزار نفر نیز در دو شهر عسلویه و نخل تقی زندگی می‌کنند. از سال ۱۳۷۶، فعالیت‌های مربوط به ایجاد صنعت نفت و گاز و پتروشیمی در منطقه عسلویه شروع شد. از آن زمان تاکنون تغییرات عمده‌ای در همه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی این منطقه پدید آمده است.

میدان گازی پارس جنوبی که در منطقه عسلویه واقع شده است، یکی از بزرگترین منابع گازی مستقل جهان است که بر روی خط مرزی مشترک ایران و در خلیج فارس قرار دارد و یکی از مهمترین منابع انرژی کشور محسوب می‌شود. مساحت این میدان، ۹۷۰۰ کیلومتر مربع است که سهم متعلق به ایران، ۳۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ذخیره گاز این بخش از میدان، ۱۴ تریلیون متر مکعب گاز به همراه ۱۸ میلیارد بشکه میعانات

## آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

گازی است که حدود ۸ درصد از کل گاز دنیا و نزدیک به نیمی از ذخایر گاز کشور را شامل می‌شود (سازمان منطقه ویژه انرژی اقتصادی پارس، ۱۳۸۷: ۸).

جمعیت فعال در بخش صنعت در دوره‌های مختلف، متفاوت بوده است. از آغاز ورود صنعت به منطقه در سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۰، مهاجرت کارگران به منطقه افزایش یافته و در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ به اوج خود یعنی ۶۰ هزار نفر رسیده است. بعد از سال ۱۳۸۴، با کاهش سرمایه‌گذاری و نیز اتمام کار برخی از فازها، جمعیت فعال در بخش صنعت کاهش یافت و در سال ۱۳۸۷ به ۲۷ هزار نفر رسید (بخش‌داری عسلویه، ۱۳۸۷). این روند کاهشی همچنان ادامه دارد. طبق آخرین آمار، اکنون ۲۳ هزار نفر در منطقه مشغول به کار هستند.<sup>۱</sup> اکنون در منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی، ۱۵ شرکت مجری یا بهره‌بردار مستقر هستند که برخی در شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی پتروشیمی ایران و برخی دیگر در شرکت سهامی خاص، مسئولیت محدود و غیره مشغول فعالیت هستند.

### ب: یافته‌های تحلیلی

به‌منظور تشریح بهتر یافته‌ها، ابتدا وضعیت منطقه قبل از ورود صنعت معرفی می‌گردد و سپس آثار ورود صنعت بر منطقه توضیح داده می‌شود.

#### \* عسلویه غیرصنعتی

بر اساس شواهد و تصدیق پاسخگویان پژوهش، قبل از ورود صنعت، آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، فحشا و دزدی جلوه چندانی نداشته است؛ ناامنی اجتماعی در حداقل ممکن بوده است؛ سطح مناسبی از ارتباط میان مردم برقرار بوده است؛ سطح نیازمندی‌های اقتصادی مردم به خارج از منطقه (به استثنای نیاز به کشورهای حاشیه خلیج فارس) اندک بوده است؛ میزان تورم در زمینه کالاهای اصلی مورد نیاز مردم، به میزان قابل قبولی بوده است.<sup>۲</sup>

منطقه عسلویه قبل از حضور صنایع گاز و پتروشیمی در یک دهه اخیر، هیچ گونه واحد صنعتی نداشته است. زندگی به صورت طبیعی جریان داشته و از این رو، آلودگی زیست‌محیطی - در هوا و دریا - وجود نداشته است. به دلیل دورافتاده بودن منطقه، فقدان اهمیت راهبردی اقتصادی و بافت روستایی آن، بخش‌های عسلویه و نخل‌تقی و روستاهای اطراف آن از حداقل امکانات شهری بی‌بهره بوده‌اند. آب آشامیدنی منطقه از چشمه‌های اطراف و آب‌های جاری از کوهستان - که در آب انبارها ذخیره می‌شد - تأمین می‌شد. هنوز هم بخشی از آب منطقه از طریق همین چشمه‌ها تأمین می‌شود (به‌ویژه در روستای بیدخون).

۱ مصاحبه مدیر اشتغال سازمان منطقه ویژه در سایت خبرگزاری خلیج فارس ۱۳۸۸/۷/۱۸  
۲ رک مطالعه انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۴)، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه پارس جنوبی

وضعیت بهداشتی منطقه بسیار نامناسب بوده است. منطقه فاقد بیمارستان و آمبولانس بوده است. تنها دو روستای عسلویه و نخل تقی دارای خانه بهداشت بودند که از حداقل امکانات بی بهره بوده‌اند. منطقه فاقد شهرداری بوده و سیستم مناسب و منسجمی برای جمع‌آوری زباله‌ها وجود نداشته است؛ مانند بخش عمده‌ای از مناطق روستایی ایران، زمین و مسکن در بخش عسلویه نیز ارزش چندانی نداشته است. جمعیت اندک و فقدان مهاجرپذیری و شرایط نسبتاً نامساعد آب و هوایی منطقه قیمت زمین و مسکن را در سطح بسیار پایینی حفظ می‌کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مدیریت منطقه ویژه در اولین سال‌های آغاز پروژه‌های صنعتی در منطقه، زمین‌ها را به قیمت متری ۱۵۰ تا ۳۰۰ تومان خریداری کرده‌اند (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۴: ۱۲).

دو روستای نخل تقی و عسلویه پیش از ورود صنعت نیز دارای همه سطوح تحصیلی از ابتدایی تا پایان متوسطه بوده‌اند. بنابر اظهارات مسئولین محلی بخش عسلویه، اولین دبیرستان منطقه در روستای عسلویه در سال ۱۳۷۱ احداث شده که فقط رشته ادبیات و علوم انسانی داشته است<sup>۱</sup>. نکته قابل توجه عقب‌ماندگی سطح امکانات و کیفیت آموزشی مدارس منطقه بوده است. مدارس فاقد حداقل امکانات ساختمان و سرویس‌های لازم بوده و بخش عمده‌ای از کادر آموزشی مدارس از طریق نظام سرباز معلم تامین می‌شده است. همچنین مهیا نبودن امکانات ضروری برای حفظ معلمان باتجربه در منطقه، از عمده‌ترین مشکلاتی بوده که نظام آموزش و پرورش منطقه با آن مواجه بوده است.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز به دلیل وجود نداشتن مراکز ارائه آنها در منطقه، هیچگاه وجود نداشته است. چنین آموزش‌هایی نه تنها در عسلویه و نخل تقی بلکه در کنگان که شهر مهم این منطقه می‌باشد نیز وجود نداشته است.

عسلویه، نخل تقی و روستاهای مجاور آنها پیش از ورود صنعت فاقد هرگونه امکانات ساخته شده توسط انسان برای گذران اوقات فراغت بوده‌اند. سالن ورزش، امکانات تفریحی، پارک، زمین بازی، سینما، سالن تئاتر و موسیقی و سایر تاسیساتی که برای گذران اوقات فراغت ضروری هستند، در منطقه وجود نداشته است. شنا در دریا و انجام برخی بازیهای بومی و محلی اصلی‌ترین راه گذران اوقات فراغت جوانان بوده است (انجمن جامعه‌شناسی ایران، ۱۳۸۴: ۱۳).

بنابراین تا قبل از ورود صنعت به منطقه عسلویه، این بخش یکی از محروم‌ترین مناطق ایران بوده است. زندگی در شکل طبیعی و سنتی خود ادامه یافته و مردم نیز عموماً از وضع موجود ناراضی نبودند، زیرا در این فضای بسته، مردم انتظارات زیادی نداشتند و قانع بودند. تغییرات در این جامعه بسیار اندک بوده و نظم سنتی

۱. ر. ک به مصاحبه‌های اکتشافی

### آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

سلسله‌مراتبی که شیوخ و ریش‌سفیدان در رأس آن بوده‌اند، کارکرد زیادی داشته و باعث انسجام و وجود همگرایی فراوانی در بین مردم شده است. فرزندان به سیاق پدران خود، به فعالیت در مشاغل سنتی مانند کشاورزی، صیادی و تجارت ادامه می‌دادند و از بابت اشتغال چندان نگران نبودند. منطقه به لحاظ وجود امکانات و زیرساخت‌ها نیز وضعیت مطلوبی نداشت.

### \* ورود صنعت و امیدهای محلی

بر اساس شواهد و سخنان مسئولان محلی بخش عسلویه «این میدان از زمان قبل از انقلاب کشف شده بود، با وجود این تا سال ۷۵، فعالیتی برای راه‌اندازی آن نشده بود. تعدادی از افراد ذی‌نفوذ که اطلاعات قبلی درباره ایجاد پالایشگاه در این منطقه داشتند، زمین‌های نخل تقی و عسلویه را با قیمت‌های بسیار ارزان از مردم خریده بودند»<sup>۱</sup>.

ظاهراً با اینکه مردم بومی، کم و بیش از ورود صنعت به منطقه مطلع بودند، تأثیری بر تغییرات رخ داده در بدو ورود صنعت به منطقه نداشتند، به طوری که زمین‌های خود را با قیمت بسیار کم به افراد ذی‌نفوذ فروختند که از تغییرات آینده منطقه مطلع بودند. مردم بومی در مقابل ورود صنعت به منطقه، مقاومت نکردند و پس از محاسبه سود و زیان خود، با مسئولان نفت همکاری می‌کردند. مسئولان قبلی منطقه ویژه نیز اذعان داشته‌اند که مردم منطقه برای جلوگیری از ورود صنعت تلاش نکرده‌اند. البته برخی از آنها درباره اعتراض مردم برای حل مشکلات‌شان صحبت کردند.

شواهد نشان می‌دهد که برای ایجاد صنعت در منطقه عسلویه، برنامه از پیش طراحی شده و مدونی وجود نداشته است. به دلیل مشترک بودن این میدان گازی با کشور قطر و اینکه کشور شریک، چندین سال زودتر شروع به بهره‌برداری کرده بود، دولت و وزارت نفت بر شروع هر چه سریعتر بهره‌برداری از این میدان تأکید داشتند. در این وضعیت، نگاه فنی غالب بود و از فراهم آوردن برخی امکانات لازم در کنار توسعه صنعت غافل ماندند و این خود زمینه‌ای برای به‌وجود آمدن مشکلات بعدی شد.

اجتماع محلی نیز که همیشه در محرومیت قرار گرفته بود، با ورود صنعت امیدوار شد که توسعه صنعتی بتواند به توسعه محلی و ایجاد رفاه نسبی در منطقه کمک کند. بنابراین در ابتدا با روی باز از ورود صنعت استقبال کردند و با فروش زمین‌هایشان، با دولت و وزارت نفت همکاری لازم را انجام دادند.

### \* گسترش صنعت و شاخص‌های پایداری محلی

۱. ر. ک به مصاحبه‌های اکتشافی

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

با ورود صنعت در سال ۱۳۷۶ و گسترش فعالیت‌های مرتبط با توسعه صنعتی، حجم زیادی از مهاجرین وارد منطقه‌ی عسلویه شدند. این روند به ویژه از سال ۱۳۷۹ به بعد تا سال ۱۳۸۴ افزایش بیش از حدی داشت. چنان‌که در بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴، بیش از ۶۰ هزار نفر در پروژه‌ها مشغول کار بودند. در این دوره جمعیت کل منطقه به ۹۰ هزار نفر رسید که حدود ۳۰ هزار نفر آن، بومی و بقیه غیربومی بودند (بخشداری عسلویه، ۱۳۸۷). البته بعد از سال ۸۴ تعداد کارگران در منطقه رو به کاهش گذاشت و در سال ۸۷ به حدود ۲۵ هزار نفر رسید (مصاحبه مدیرعامل سابق منطقه ویژه با سایت نسیم‌جنوب، ۱۳۸۷).

مسئولان و مطلعان محلی تغییرات بعد از ورود صنعت در منطقه را به دو دسته مثبت و منفی تقسیم می‌کنند. ولی معمولاً بر آثار منفی که صنعت بر محیط زندگی آنها گذاشته است، بیشتر تأکید می‌کنند. اکثر افراد معتقدند که جنبه‌های مثبت توسعه صنعتی در منطقه، نصیب افرادی غیر از مردم بومی اینجا شده است. آنها مدعی هستند که این طرح ملی است و باید همه از آن بهره ببرند، ولی سهم مردم منطقه هم باید به نحو شایسته‌ای، همان‌طور که آنها انتظار دارند برآورده شود. آنها معتقدند بیشترین هزینه ایجاد صنعت را در منطقه بومی‌ها می‌پردازند، اما چیزی که غایب این منطقه شده است، اصلاً درخور توجه نیست. حال بر حسب شاخص‌های مختلف پایداری محلی به بررسی آثار و پیامدهای توسعه صنعت می‌پردازیم.

### ۱. اشتغال

در زمینه اشتغال بومیان، اکثر مشاغل سنتی منطقه، مانند دامداری، کشاورزی، ماهیگیری و تجارت، یا از بین رفته‌اند یا مانند گذشته رونق ندارند. تا قبل از ورود صنعت، این مشاغل منبع پایدار درآمد مردم بودند و افراد عموماً به طور خانوادگی فعالیت می‌کردند. درآمد حاصل از این مشاغل نیز به اعتقاد پاسخگویان کافی بوده و وضعیت مالی مردم منطقه به‌طور متوسط خوب بوده است. بعد از ورود صنعت در روستاهایی مانند عسلویه، نخل‌تقی و بیدخون که اکثر تأسیسات صنعتی در اطراف آنها قرار گرفته، مشاغلی مانند کشاورزی و دامداری از بین رفته و تعداد اندکی از زمین‌های کشاورزی باقی مانده است که مهاجرین غیربومی با شیوه اجاره‌داری به کشت آنها می‌پردازند. تجارت با کشورهای عربی که از مشاغل اصلی و پردرآمد بومیان بوده، با محدودیت مواجه شده است و آنها از این وضعیت ناراضی هستند. به دلایل مختلفی از جمله حاکم بودن روابط بر ضوابط در استخدام‌ها، نداشتن مهارت و سواد کافی، بیگانگی با شغل‌های مرتبط با صنعت و غیره بومیان در وضعیت جدید نتوانسته‌اند به مشاغل پایداری دست یابند و فقط در مشاغل خدماتی و کاذب، به طور محدود فعالیت می‌کنند. بنابراین مشاغل با درآمد کافی و پایدار، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی مؤثر در تحقق توسعه پایدار، بعد از ورود صنعت به منطقه عسلویه، آسیب دیده است. در واقع، یکی از مشکلات قطب رشد در کشورهای دیگری که این راهبرد توسعه‌ای را اجرا کرده‌اند (به‌ویژه در مناطق مرزی کشورهای امریکای لاتین)، از بین رفتن

## آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

مشاغل سنتی بومیان و عدم دستیابی آنها به مشاغل جدید و مرتبط با صنعت است که در منطقه عسلویه نیز به وضوح می‌توان ملاحظه کرد. این موضوع در پژوهش‌های متعدد بیان شده است که بیانگر اهمیت آن در منطقه مورد نظر است.

### ۲. امکانات زیربنایی

وضعیت منطقه قبل از ورود صنعت، به لحاظ امکانات و زیرساخت‌ها با دوره بعد از ورود صنعت بسیار تفاوت دارد. در همه زمینه‌ها، امکانات و زیرساخت‌هایی ایجاد شده است. راه‌ها و جاده‌های بسیاری ساخته شده، امکانات آموزشی و ورزشی تأسیس شده، فضاهای سبز و بازارهای جدید ایجاد شده است و از این حیث، توسعه پایدار محلی، پیشرفت خوبی داشته است. اما موضوع مهم در منطقه عسلویه این است که بومیان از عرضه امکانات در محدوده درون و بیرون فنس ناراضی هستند. آنها معتقدند که بیشتر امکاناتی که سازمان منطقه ویژه ایجاد کرده است، اصلاً مورد استفاده بومیان قرار نمی‌گیرد یا به سختی در اختیار آنها قرار داده می‌شود. همچنین آنها در خصوص عرضه خدمات زیربنایی، مانند آب و برق در درون و بیرون فنس‌های منطقه ویژه تبعیض را احساس می‌کنند. شواهد نشان می‌دهد که برنامه مشخصی برای افزایش این امکانات در محدوده‌های سکونت بومیان منطقه وجود ندارد و توزیع امکانات بیشتر به سلايق مدیران بستگی دارد. به طوری که بسیاری از پاسخگویان با مقایسه دوره مدیریت دکتر رضوی و مهندس کرباسیان، معتقد بودند که در دوره کرباسیان، دیدگاه منطقه‌ای غالب بود و امکانات زیادی از جمله سالن‌های ورزشی و فضاهای آموزشی در منطقه ساخته شد، ولی در دوره مدیریت دکتر رضوی، در دیدگاه مدیریت منطقه ویژه به منطقه عسلویه، صرفاً عرضه کمک‌هایی به سایر شهرستان‌های استان بوشهر مورد توجه بود.

### ۳. آموزش

پیامدهای حضور صنعت در بخش آموزش و تأثیری که بر توسعه پایدار محلی داشته است، نیز از اهداف دیگر پژوهش حاضر است. در واقع، بخش آموزش به لحاظ کمی و کیفی به دلیل حضور صنعت تغییرات مثبت فراوانی داشته است که مطمئناً برای پیوند اجتماع محلی با صنعت، بسیار مهم است. به هر حال، یکی از موانع اصلی ورود بومیان به مشاغل جدید و مرتبط با صنعت و ارتباط با فضای جدید، تحصیلات و مهارت اندک آنها بوده که با افزایش فضاها و فرصت‌های آموزشی که برای بومیان ایجاد شده است، می‌تواند به رفع این موانع کمک کند. اکثر پاسخگویان پژوهش، از وضعیت آموزش رضایت داشتند و معتقد بودند که بعد از ورود صنعت، خدمات سازمان منطقه ویژه به آموزش و پرورش منطقه، به خصوص در زمینه ایجاد سرویس‌های دانش‌آموزی، برگزاری کلاس‌های کنکور و ساخت مدارس، باعث شده است که امکان ادامه تحصیل برای همه دانش‌آموزان

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

فراهم شود. یکی از پیامدهای مهم دیگر در بخش آموزش، بعد از ورود صنعت، حضور گروهی از مهندسان و مدیران در منطقه بوده که موجب رشد انگیزه در بین دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در مقاطع بالا است. بنابراین آموزش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار، تحت تأثیر ورود صنعت در منطقه عسلیویه، پیشرفت فراوانی داشته است و می‌تواند برای پیوند اجتماع محلی و صنعت مهم باشد.

### ۴. نظم اجتماعی

بعد از ورود صنعت و از بین رفتن نظم سنتی حاکم بر اجتماعات محلی، آسیب‌های اجتماعی مختلفی پدید آمده است. ورود جمعیتی بیشتر از جمعیت بومی به منطقه، که اکثر آنها نیز مجرد بوده‌اند، باعث شده است که آرامش منطقه، به ویژه در دو شهر نخل‌تقی و عسلیویه و روستای بیدخون از بین رود. اکثر پاسخگویان، از وضعیت امنیت، احساس ناراضی بودند و اظهار می‌کردند که اجازه نمی‌دهند خانم‌ها به تنهایی بیرون بروند. سرقت، اعتیاد، درگیری، فحشا، استفاده از مشروبات الکلی و غیره، بعد از ورود صنعت باعث ایجاد مشکلاتی برای بومیان منطقه شده است. البته در یکی دو سال اخیر (۱۳۸۷ به بعد) به دلیل حضور بیشتر نیروی انتظامی و نیز کاهش نیروی کار، وضعیت امنیت بهبود یافته است.

### ۵. بهداشت

وضعیت بهداشت، به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی توسعه پایدار و انسانی، بعد از ورود صنعت به منطقه، بسیار بهتر شده است، ولی بومیان با توجه به انتظاراتی که در آنها ایجاد شده است، وضعیت کنونی خود را چندان رضایت‌بخش نمی‌دانند. تا قبل ورود صنعت به منطقه مذکور، فقط یک مرکز بهداشت در روستای عسلیویه وجود داشته که امکانات بسیار محدودی داشته است، اما بعد از ورود صنعت، چندین مرکز بهداشت و با امکانات بیشتر در منطقه ایجاد شده است. با وجود جمعیت کارگری و احتمال زیاد ایجاد حوادث ناشی از کار، وجود یک بیمارستان در منطقه ضروری است. اکثر پاسخگویان و مسئولان بر این موضوع تأکید می‌کردند. در زمینه شاخص بهداشت با وجود تفاوت بسیار وضعیت کنونی با قبل از ورود صنعت، به دلیل انتظارات ایجاد شده در بین بومیان، آنها از وضعیت بهداشتی چندان رضایت نداشتند و معتقد بودند که مهم‌تر از همه این امکانات، هوا و محیط زیست منطقه آنقدر آلوده است که برای سلامتی چندان خطرناک نیست. آنها معتقد بودند که در این شرایط آلوده، دچار مرگ تدریجی شده‌اند.

### ۶. فقر و احساس محرومیت

یکی دیگر از اجزای مهم توسعه پایدار، کاهش فقر و گسترش برابری و عدالت اجتماعی در جامعه است. برای تحقق آن، باید امکانات و فرصت‌ها به طور برابر در اختیار مردم قرار گیرد و در کنار آن، با اجرای برنامه‌هایی، به فقرا و محرومان کمک شود تا از این شرایط دشوار رهایی یابند. به اعتقاد پاسخگویان، تا قبل از



### آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

ورود صنعت به منطقه، درآمد مردم به طور متوسط خوب بوده و در واقع، از نظر خودشان جامعه‌ای فقیر نبوده‌اند. همچنین به دلیل وجود روابط گسترده اجتماعی و انگیزه‌های دینی، کمک به فقرا یک ارزش محسوب می‌شده و ثروتمندان محلی توجه فراوانی به آن داشته‌اند. در این شرایط، شکاف بین فقیر و غنی و احساس نابرابری در جامعه به میزان بسیاری وجود نداشته است. بعد از ورود صنعت، شکاف بین فقیر و غنی بسیار زیاد شده است و آنهایی که دارا بودند، ثروتمندتر شده و فقرا نیز به دلیل تورم پدید آمده، فقیرتر شده‌اند. تغییر شرایط به سمت زندگی مدرن و شهری و اهمیت ثروت، باعث شده است که بسیاری از روابط اجتماعی و حمایتی سابق، کمرنگ شوند و نابرابری بین گروه‌های فقیر و غنی در جامعه پدید آید. تا قبل از ورود صنعت، به دلیل محروم بودن منطقه، میزان توقع و انتظارات مردم نیز کم بوده است، اما بعد از ورود صنعت و تعیین محدوده منطقه ویژه از طریق فنس، شرایطی پدید آمده است که اکثر بومیان با مقایسه امکانات درون و بیرون فنس، احساس نابرابری و تبعیض می‌کنند. آنها بیان می‌کردند: «در حالی که ما آب آشامیدنی سالم در دسترس نداریم، درون فنس‌های منطقه ویژه، آب معدنی می‌خورند یا در تابستان خیلی گرم عسلویه، چندین ساعت قطعی برق داریم، در حالی که چلچراغ منطقه ویژه، در فاصله ۱ کیلومتری ما همیشه روشن است، یا گاز از زیر پای ما درمی‌آید، ولی خود ما گاز نداریم و باید سیلندر گازی را ۱۵۰۰ تومان برای دو هفته بخریم».

سختان مکرر پاسخگویان در این زمینه نشان می‌دهد که احساس نابرابری و تبعیض در اجتماع محلی، افزایش یافته است. همه بومیان از وضعیت موجود ناراضی هستند و معتقدند با وجود هزینه‌های سنگینی که متحمل شده‌اند، چیزی نصیب‌شان نشده است. اما مسئولان و افراد غیربومی معتقدند که عسلویه پیشرفت فراوانی داشته و وضعیت آن با چند سال قبل بسیار متفاوت است. در واقع، گسترش نابرابری بین بخش‌های سنتی و مدرن، یکی از مسائل مهمی است که در اکثر مناطقی که قطب‌های رشد مبتنی بر منابع طبیعی ایجاد شده است، به وجود آمده است.

به منظور سهولت در فهم، پیامدهای حضور صنعت و تأثیر آن بر شاخص‌های اجتماعی پایداری محلی در جدول صفحه بعد نشان داده می‌شود:

توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

جدول (۱) پیامدهای حضور صنعت و تأثیر آن بر شاخص‌های اجتماعی پایداری محلی

ابعاد توسعه پایدار محلی	قبل از ورود صنعت
اشتغال	اشتغال پایدار با درآمد نسبتاً کافی در مشاغل مانند کشاورزی، ماهیگیری، تجارت و نجاتی
کشاورزی	رونق کشاورزی به ویژه محصول گوجه‌فرنگی
امنیت و آسیب‌های اجتماعی	محیط کاملاً امن و با آرامش فراوان، نبود آسیب‌های اجتماعی در جامعه
آموزش	آموزش کم به لحاظ کمی و کیفی
بهداشت	بسیار ضعیف و محدود به دو خانه بهداشت در سطح منطقه
کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی	به دلیل نبود امکانات، رفاه و کیفیت زندگی کم است، ولی به لحاظ ذهنی، از شرایط موجود احساس رضایت می‌کردند.
نابرابری و عدالت اجتماعی	جامعه تقریباً برابر و متعادل، نبود شکاف بین فقیر و غنی
آلودگی محیط زیست	نبود آلودگی
امکانات و زیرساخت‌ها	ضعیف، نبود زیرساخت‌هایی مانند آب، برق، گاز، فضای سبز
جمعیت و مهاجرت	جمعیت کم و متعادل اما با میزان زاد و ولد زیاد، مهاجرت عمدتاً به کشورهای عربی
ارزش‌ها و هنجارها	کارکرد فراوان ارزش‌های و هنجارهای سنتی در جامعه
ابعاد توسعه پایدار محلی	بعد از ورود صنعت
اشتغال	رکود یا از بین رفتن مشاغل سنتی، عدم دستیابی به اشتغال پایدار، اشتغال بیشتر در مشاغل موقتی مانند اجاره‌داری و خدمات
کشاورزی	از بین رفتن زمین‌های کشاورزی به دلیل ایجاد تأسیسات صنعتی، کاهش و افت کیفیت محصولات به دلیل آلودگی هوا، کاهش و شور شدن منابع آب
امنیت و آسیب‌های اجتماعی	ورود خرده‌فرهنگ‌های گوناگون، از بین رفتن نظم سنتی، افزایش آسیب‌هایی مانند اعتیاد، سرقت، درگیری، قتل، فحشا
آموزش	افزایش فضاهای آموزشی و امکان ادامه تحصیل برای همه دانش‌آموزان
بهداشت	افزایش امکانات و مراکز بهداشتی، نبود بیمارستان یا توجه به میزان جمعیت و حوادث زیاد ناشی از کار و تردد در منطقه
کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی	وضعیت ممکن است به لحاظ عینی رفاه و کیفیت زندگی، بهبود یافته باشد، ولی مردم بومی عموماً از وضع موجود ناراضی هستند و معتقدند که در شرایط سختی زندگی می‌کنند.
نابرابری و عدالت اجتماعی	افزایش تورم و گسترش شکاف بین فقیر و غنی، افزایش نابرابری و تبعیض در دسترسی به فرصت‌ها و امکانات
آلودگی محیط زیست	آلودگی هوا، دریا و آب به دلیل پیامدهای صنعت. تأکید اکثر مردم بومی و مسئولان بر طاق‌فرسا بودن زندگی در این شرایط آلودگی
امکانات و زیرساخت‌ها	افزایش امکانات و زیرساخت‌ها، اما به صورت نامتعادل و بیشتر مورد نیاز صنعت، ناراضی مردم از عدم دسترسی به این امکانات
جمعیت و مهاجرت	ورود مهاجران از مناطق مختلف، مهاجرت تعدادی از افراد متمول بومی به شهرهای بزرگ
ارزش‌ها و هنجارها	دگرگون شدن فضا، از بین رفتن ارزش‌های سنتی، دوگانگی ارزشی و هنجاری.

(منبع: یافته‌های پژوهش).

### بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مشکلات اصلی ایجاد قطب‌های رشد در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه قطب‌هایی که مبتنی بر منابع طبیعی هستند، عدم توجه به توسعه محلی و منطقه‌ای است. عموماً هدف از ایجاد قطب‌های صنعتی مبتنی بر منابع طبیعی (طبق قانون، مالکیت منابع طبیعی در اختیار حکومت‌هاست و عموماً برای افزایش درآمد ملی از

## آثار اجتماعی قطب‌های رشد صنعتی بر توسعه پایدار محلی

آن استفاده می‌کنند)، افزایش درآمد ملی است و در نتیجه، توسعه محلی و منطقه‌ای در حاشیه قرار می‌گیرد و همزمان با توسعه صنعتی، به توسعه محلی توجه نمی‌شود و هزینه‌هایی که برای گسترش و توسعه صنعت می‌شود، نسبت به هزینه‌هایی که برای توسعه اجتماعی و انسانی می‌شود، بسیار بیشتر است.

یکی از معهود نمونه‌های موفق قطب‌های رشد صنعتی در کشورهای در حال توسعه، قطب رشد گویانا در ونزوئلا است که به طور همزمان، به توسعه اجتماعی و شهری در کنار توسعه صنعتی توجه شده بود. اما اکثر تجارب قطب رشد در کشورهای در حال توسعه، توسعه نامتوازنی ایجاد کرده‌اند و به صورت جزایری توسعه یافته در قلب منطقه‌ای توسعه‌نیافته قرار گرفته‌اند که نتوانسته‌اند پیوند پایداری با اجتماع محلی برقرار کنند. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، این وضعیت در قطب رشد صنعتی عسلویه نیز پدید آمده است. توسعه نامتوازن صنعتی و محلی در عسلویه، می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. ضعف اجتماع محلی و نداشتن ظرفیت و تخصص‌های لازم برای وارد شدن به فضای جدید صنعتی و نیز ضعف ساختارهای اقتصادی و سیاسی ملی و تمرکزگرایی شدید و عدم تمایل و آینده‌نگری برای سرمایه‌گذاری در توسعه محلی و منطقه‌ای از جمله عوامل مؤثر در این زمینه هستند. مجموع شرایط مذکور، باعث گسترش روزافزون صنعت در صنایع بالادستی و پایین‌دستی در عسلویه شده است، ولی برنامه جامعی برای توسعه پایدار اجتماعات محلی به ویژه در زمینه زیرساخت‌های شهری، تدوین نشده یا در صورت تدوین، اجرا نشده است. همچنین در زمینه توسعه انسانی محلی و پیوند اجتماع بومی، تلاش پیگیر و منسجمی ملاحظه نمی‌شود. در واقع، بیشتر امکانات و خدماتی که دولت و وزارت نفت عرضه می‌کنند، مربوط به کارکنان صنعت است و اجتماع محلی چندان از آنها استفاده نمی‌کند. هر چند می‌توان کمک‌های گاه و بیگاه منطقه ویژه برای ایجاد امکانات در اجتماعات محلی بومیان را ملاحظه کرد، اما از آنجایی که منطقه ویژه به نمایندگی از وزارت نفت، خود را ملزم به توسعه محلی و منطقه‌ای نمی‌داند (به لحاظ قانونی) و معتقد است که باید سایر نهادها و وزارتخانه‌ها نیز همراه با وزارت نفت به توسعه منطقه کمک کنند، کمک‌های وزارت نفت و منطقه ویژه، نمی‌تواند تأثیر فراوانی در رشد و توسعه پایدار اجتماعات محلی داشته باشد. در واقع، بومیان انتظار دارند همان گونه که در تبلیغات و رسانه‌ها، عسلویه پایتخت اقتصادی ایران محسوب می‌شود، امکاناتی نیز در حد این پایتخت برای آنها ایجاد شود. بنابراین به دلیل این وجود شرایط، اکنون مشکلات و نارسایی‌هایی را در منطقه عسلویه ملاحظه می‌کنیم. به طور کلی، می‌توان نتیجه گرفت که حضور صنعت، باعث رشد نامتوازن شاخص‌های توسعه پایدار محلی در منطقه شده است.

## منابع

ابراهیم‌پور، محسن (۱۳۸۳). گزارش بررسی شیوه‌ها و راهکارهای انطباق عام و پویای مردم محلی با طرح توسعه منطقه اقتصادی

انرژی پارس.

## توسعه روستایی، دوره سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

- ازکیا، مصطفی و همکاران (۱۳۸۷). رهیافت‌ها و روش‌های تحقیق کیفی در توسعه روستایی. تهران: نشر نی.
- انجمن جامعه‌شناسی ایران (۱۳۸۴). توسعه صنعتی و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی در حوزه پارس جنوبی. پایلی یزدی، محمدحسین و امیرابراهیمی، محمد (۱۳۸۵). نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: انتشارات سمت.
- جدیدی میانداشتی، مهدی (۱۳۸۱). گزارش نهایی طرح تحقیقاتی بررسی نقش بخش صنعت و معدن در توسعه‌یافتگی مناطق مختلف کشور. وزارت صنایع دفتر برنامه‌ریزی.
- جلسه بحث گروهی متمرکز با ۱۱ نفر از مردم بومی منطقه (۳ نفر از دانشجویان خانم، ۳ نفر از معلمان منطقه، ۲ نفر از شورای لنداداران، ۱ نفر عضو شورای شهر عسلویه، ۲ نفر دانشجویان پسر)
- کلانتری، خلیل (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای. تهران: انتشارات خوشبین، ج اول
- کلانتری، خلیل و حقیقی، سرافراز (۱۳۸۲). مطالعه اثرات قطب صنعتی مبارکه بر توسعه کشاورزی منطقه. مجله علوم کشاورزی ایران. ۳۴ (۳)، ۶۹۴ و ۶۹۵.
- گزارش سالانه بخش‌داری منطقه عسلویه در سال ۱۳۸۷، انتشار در سال ۱۳۸۸
- مصاحبه مدیرعامل وقت سازمان منطقه ویژه با هفته‌نامه نسیم جنوب، شماره ۵۰۴- (<http://www.pgnews.ir/viewnews.aspx?id=504>)
- موسسه مهندسی توسعه اجتماعی (متا) (۱۳۸۴). گزارش طرح ساماندهی توسعه متوازن و همزیستاری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه عسلویه.
- مؤسسه توسعه روستایی ایران (۱۳۸۱). چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه ایران. گزارش کارگروه محور توسعه روستایی ایران.
- مصاحبه عمیق و باز با ۲۲ نفر از مسئولان و مردم محلی
- ۱- مدیریت جذب و سرمایه، ۲- مدیریت عمران، ۳- مدیریت فناوری اطلاعات (سازمان منطقه ویژه)، ۴- عضو انجمن برنا از روستای خیارو، ۵- فرهنگی - روستای بیدخون، ۶- کارمند آموزش و پرورش عسلویه، ۷- (فرهنگی - رئیس شورای روستای زبار)، ۸- دهیار روستای بیدخون، ۹- فرهنگی بازنشسته (رئیس شورای بخش عسلویه، روستای بستانو)، ۱۰- رئیس وقت اداره جهاد کشاورزی عسلویه، ۱۱- رئیس وقت اداره کار عسلویه از روستای اخند، ۱۲- رئیس شورای نخل تقی، ۱۳- فرهنگی و رئیس شورای روستای سهمو جنوبی، عضو شورای بخش، ۱۴- دیپلمه - مغازه‌دار روستای چاه‌مبارک، ۱۵- روحانی شیعه در روستای بنود، ۱۶- رئیس شورای لنداداران عسلویه، ۱۷- امام جمعه عسلویه (سال ۸۵ تا ۸۷)، ۱۸- کشاورز غیربومی (بیش از ۱۰ سال در منطقه اجاره‌داری می‌کند)  - ۱۹- مسئول روابط عمومی شهرداری عسلویه - از شهر عسلویه، ۲۰- مدیرعامل سابق منطقه ویژه (۱۳۸۰-۱۳۸۳)، ۲۱- مهندس جهاد کشاورزی عسلویه، ۲۲- یکی از خانم‌های بومی (کارمند یکی از شرکت‌های پتروشیمی).

- Hite, A. B. (2004) Natural Resource Growth Poles and Frontier Urbanization in Latin America. *Studies in Comparative International Development*, 39(3), 50-75.
- Angotti, T. (2001). *Ciudad Guayana; From Growth Pole to Metropolis, Central Planning to Participation*. *Journal of Planning Education and Research*, 20(3), 329-338.
- Ciccantell, P. S. (1994). *Firms, State and Raw Materials in the Capitalist World Economy: Aluminum and Hydroelectricity in Brazil and Venezuela*. Unpublished doctoral dissertation. University of Wisconsin Madison.
- Friedman, J. (1966). *Regional Development Policy: A Case Study of Venezuela*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Garsia, M. P. (1985). *The Old Story of New Cities: Unanticipated Social Costs of Ciudad Guayana: A Planned Industrial City in Venezuela*. Unpublished doctoral dissertation. University of Chicago. Illinois.
- Godfery, B. (1990). Boom Towns of the Amazon. *The Geographical Review*, 80(2), 103-11.